



# حسین دلدار

ترور صیاد شیرازی در کارنامه تروریستی منافقین (سازمان مجاهدین خلق) از جهات بسیاری قابل تعمق نشان می دهد.ادله ای که منافقین (مجاهدین خلق) برای این ترور ارائه می کنند حاکی است که برای این عمل صرفنظر از دلایلی که سازمان به آن اتکامی کند باید به دنبال دلایل و انگیزه‌های پنهان دیگری گشت. دلایل مجاهدین در اطلاعیه‌های نظامی خود که تماماً در ویژه‌نامه نشریه مجاهد به همین مناسبت انتشار یافت حول سه محور جمع بندی شده است.

۱- نقش صیاد شیرازی در دفاع از تمامیت ارضی ایران در جنگ با عراق.

۲- نقش شیرازی در مهار و کنترل غائله کردستان در بدو انقلاب سال ۵۷.

۳-نقش وی در عملیات موسوم به فروغ جاویدان که مجاهدین خلق با پشتوانه ارتش عراق خاک ایران را مورد تعرض نظامی قرار دادند. دلایل ارائه شده برای توجیه ترور صیاد شیرازی در نوع خود بیانگر این معنی است که وی در تمام موارد یاد شده به عنوان یک نیروی ارتشی بر اساس وظایف تعریف شده خود تنها اقدام

به دفاع و دفع تعرض نظامی به خاک ایران نموده است. اتفاقا در دو مورد یاد شده

یعنی دفع تجاوز نظامی عراق به ایران

و غائله کردستان، مجاهدین خلق

در فاز موسوم به سیاسی کمابیش

اقدامات فوق را مشروع تلقی و

نسبت به عاملین اغتشاش در این منطقه موضع گیری و حتی

مواضع سازمان در این رابطه منجر

به بروز اختلافات سیاسی میان

مجاهدین خلق و سازمان چریکهای

فدایی ، حزب دمکرات کردستان، کومله

و سازمان منشعب از مجاهدین خلق یعنی

پسکار در راه آزادی طبقه کارگر گردید. در این

راستا می توان به مجموعه مصاحبه های مسعود رجوی با

نشریه مجاهد طی اسفند ماه سال ۱۳۵۹ تا اردیبهشت سال ۱۳۶۰ مراجعه کرد.
عجالتا در این مختصر به موضع گیری سازمان در قبال چریکهای فدایی خلق که طی دو اطلاعیه اتخاذ شد بسنده می کنیم.
مجاهدین خلق در دومین اطلاعیه خود در خصوص مسائل

## چرایی ترور شهید صیادشیرازی

کردستان و نقش امپریالیسم و عوامل محلی آن در این ماجرا ضمن هشدار به چریکهای فدایی خلق و سفارش به اجتناب از این در گیری ها می نویسد:

«آنچه به چریکهای فدایی خلق مربوط می شود، در گیری و نحوه دخالت نایجای آنها در منطقه است که بسی تردید به دلیل عواقب سیاسی سوء آن حاکی از اشتباهات جدی در نحوه برخورد و آرزوایی موقعیت سیاسی –اجتماعی موجود و خلاصه بی توجهی به دام از پیش پهن شده امپریالیستها و مرتجعین محلی است. دامی که گرفتار شدن در آن نمی تواند به حال انقلاب سودمند باشد.»(۱)
در این اطلاعیه مجاهدین خلق کرار هشدار می دهند که اتفاقات کردستان محصول تعامل عوامل مرتجع منطقه با امریکا است. و در این رابطه می نویسند:

«دشمن استعمار گر به اتکای پایگاه‌های واژگون نشده ضد انقلاب و ارتجاعی اش و به اتکا به انبوه مزدوران سیا و ساواک که دقیقاً گوش به زنگ نشست‌ه و همانطور که از پیش تذکر دادیم یک آن نیز از طرح توطئه غافل نیست.»(۲)

چنانچه در این موضع گیری ها محسوس

است مجاهدین خلق در زمان غائله کردستان بهتر از هر کس به این مهم واقف بودند که عوامل محلی وابسته به امریکا بعلاوه آنچه مجاهدین بارها با عنوان چپ روی گروه‌های مارکسیست از آن یاد کرده اند باعث بانسی آن بود. در خصوص نقش صیاد شیرازی در جنگ نیز

سازمان کماکان از همین موضع عراق را آگاهانه یا ناآگاهانه آلت دست امریکا برای شکست انقلاب آرزوایی کرده است. مجاهدین در آغاز جنگ و حمله

عراق به ایران اگر چه تلویحی اما انگیزه‌های پنهان آن را بر اساس خواست و تمایل امریکارزوایی و دفاع راحق مشروع مردم ایران می دانستند. در حقاییت این دفاع همین بس که مجاهدین مدعی بودند مستقیما در آن شرکت داشته اما مورد بی مهری مسئولین قرار گرفته اند.

در کنار این دلایل اما دلیل برجسته تر مجاهدین خلق برای ترور

صیاد آنگونه که ادعا می کنند نقش وی در دفع تعرض توامان مجاهدین خلق و حمایت توپخانه‌ای و هوائی ارتش عراق به خاک ایران (موسوم به عملیات فروغ جاویدان) است. عملیات فروغ جاویدان بر اساس طراحی رجوی قرار بوده مسئله سرنگونی منتهی شود. فرض پذیرش این ادعا به این معنی است که مجاهدین در قبال این تعرض نظامی تواما با عراق، انتظار دفاع و مقابله از سوی نیروهای مرزی رانداشته‌اند. اینکه این توهم تا چه میزان واقع نگرانه است می ماند به بررسی عقلانی و منطقی این ادعا. در کنار این ادعاها مجاهدین در ویژه نامه ای که به همین مناسبت به

چاپ رساندند به مواردی اشاره دارند که در نوع خود موجب شگفتی و تعجب خوانندگان است.از جمله می توان به دو نمونه از این ادعاها که به استناد آن حکم ترور صیاد صادر شده اشاره کرد. در صفحه اول نشریه ویژه نامه مجاهد به مناسبت ترور صیاد شیرازی این تیتیر به چشم می خورد:
«ماموریت صیاد شیرازی در سرکوب زندانیان سیاسی»(۳)

در متن به خاطرات زندانی ای اشاره می شود که مدعی است از طریق گفتمان او با صیاد شیرازی متوجه تاسیس ارتش آزادبیش شده است. این می شود نقش صیاد در سرکوب زندانیان سیاسی. در این رابطه می خوانیم:

«صیاد شیرازی شروع به صحبت کرد. مضمون حرف او این بود که ما قدرت داریم و ارتش عراق را با آن همه نیرو شکست دادیم. اینکه چند نفر دور هم جمع بشوند و بگویند



بخشی از انزوای خود را ترمیم کنند. این فرض با عنایت به حجم قابل ملاحظه‌ای از اخبار خیر گزار بهای مختلف دنیا و پوشش دادن وسیع و دامنه دار مجاهدین در نشریه خود می تواند توجیه کننده بخشی از این اقدام باشد. در این رابطه کافی است به حجم این مطالب در نشریه مجاهد توجه شود. نقطه کانونی این اخبار و تحلیلهابزرگ نمای توان نظامی و قدرت مانور مجاهدین در داخل خاک ایران تاکید دارد. فرض دیگر این که این ترور بر اساس کینه و دستور رژیم عراق از صیاد شیرازی و بالطبع استقبال مجاهدین خلق از منافع احتمالی آن طراحی و انجام شده است. این فرض به استناد مدارکی که پس از سقوط صدام به دست آمده به حقیقت نزدیکتر است. در ملاقات مسعود رجوی با سپهبد طاهر حبوش مسئول سرویس اطلاعات عراق که در اواسط سال ۲۰۰۱ صورت می گیرد وی با تشریح مناسبات سازمان و سرویسهای اطلاعاتی عراق آشکارا اعتراف می کند که دستور ترور صیاد شیرازی را به مجاهدین خلق صادر کرده است.

محور این ملاقات در رابطه با ترورهای داخل ایران و تاثیر آن بر شرایط سیاسی واجتماعی است. در این مذاکرات حبوش آشکارا ضمن حمایت از این عملیات تصریح می کند جهت وهدفهای این عملیات را آنها تعیین می کنند. رجوی در این ملاقات ظاهرا از موضع گیری کاردار عراق علیه مجاهدین خلق که پس از ترور صیاد شیرازی با روزنامه رسالت انجام شده رنجیده است. رجوی در این ملاقات با اشاره به این مصاحبه و پی آمدهای آن برای مجاهدین می گوید:

«من فقط دنبال این مطلب هستم که این مصاحبه بعد از جریان صیاد شیرازی صورت گرفته و این عملیات را

تروریستی و ناجوانمردانه خوانده است. من در آن زمان با استاد طارق عزیز تماس گرفته و این مطلب را گفته ام و ایشان از من عذرخواهی کردند. استاد طارق عزیز گفت :از طرف من اطلاعیه صادر کنید و من هم در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۹۹ (۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۸) این پیام را که حاصل توافقی بود که با استاد طارق عزیز داشتم و شما آن را مشاهده می کنید صادر کرده ام. این توافق بین ما و استاد طارق عزیز باهماهنگی سیدالرئیس (صدام حسین) از قبل بوده است.»(۶)

در ادامه این اظهارات از سجوی رجوی، حبوش گلایه او را با این توضیح که ما قادر به باز کردن بیش از یک جبهه نبوده و تاکید بر اینکه دستور ترور صیاد شیرازی را خود ما داده ایم به موضع تاکتیکی کاردار عراق در گفتگو با روزنامه رسالت اشاره می کند و می گوید:

«وقتی من به شما برای انجام این عملیات ( ترور صیاد شیرازی) دستور دادم، معلوم است که بیان این مطلب تاکتیکی است. زیرا ما نمی خواهیم در بیش از یک جبهه بجنگیم.»(۷)

این تعاملات و محتوای آن دلایل اقدام مجاهدین خلق به ترور صیاد شیرازی رامستندتر از بهانه های بی پایه و اساس مطروحه مجاهدین در موضع گیریها و نشریاتشان نشان می دهد. باید اذعان داشت که صیاد شیرازی به استناد آنچه در مراسم تشیع او مشاهده شد از محبوبیت خاصی در نزد مردم بر خوردار بود. این را نحوه زندگی شخصی او و پرهیز آگاهانه اش از هر گونه فاصله گرفتن از مردم نشان می دهد. چه بسا عمده موفقیت مجاهدین در ترور ایشان ناشی از اجتناب از رعایت تشریفات امنیتی بوده است. اگر چه مجاهدین خلق ترور صیاد شیرازی را موفقیتی بزرگ ارزیابی کردند اما بدون شک باید آن را مرهون پایدندی و عشق توامان او به وطن، مردم و باورهایش تلقی کرد.

(۱)اطلاعیه «هشدار سازمان مجاهدین خلق به سازمان چریکهای فدایی خلق». مجموعه اطلاعیه ها و موضع گیریهای سازمان مجاهدین خلق ایران. انتشارات سازمان مجاهدین خلق. ج اول. ص ۱۰۲.

(۲) همان.

(۳) نشریه مجاهد ویژه نامه ترور صیاد شیرازی. ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۸.

(۴) همان.

(۵) همان.

(۶) کتاب برای قضاوت تاریخ. متن مذاکرات مسعود رجوی با مسئولین اطلاعاتی عراق (در زمان حکومت صدام) انتشارات خارج کشور. ناشر ایران اینترلینک. چاپ اول ۱۳۸۳. ص، ۲۱۶.



## پذیرش رسمی ترور شهید صیاد شیرازی توسط منافقین

بازتاب خبر شهادت شهید صیاد شیرازی در ویژه نامه منتشر شده توسط منافقین به مناسبت انجام عملیات ترور شهید صیاد شیرازی منافقین در این ویژه نامه بصورت رسمی انجام این عملیات وحشیانه تروریستی را بر عهده گرفته اند. منافقین بخاطر شکست سنگین و سرنوشت سازشان در عملیات مرصاد که از آن به عنوان «فروغ جاویدان» یاد می کنند کینه عمیقی از شهید صیاد شیرازی بر دل داشتند که به زعم خویش با انجام این ترور به دنبال التیام عقده های خود و سرگردگان منفورشان «مریم و مسعود جوی» بودند، غافل از آنکه این ترور بیش از هر جنایت تروریستی دیگر ماهیت ضد مردمی و کینه توزانه منافقین را آشکار کرد و خود شکست بزرگی برای ایشان محسوب می شود.

## نگاهی حقوقی به ترور امیر سپهبد علی صیاد شیرازی



۲۱ فروردین ماه سالروز شهادت سپهبد علی صیاد شیرازی بدست منافقین کور دل می باشد. شهید بزرگواری که رهبر معظم انقلاب در وصف ایشان فرمودند: «سرزمین های داغ خوزستان و گردنه های برافراشته کردستان، سال ها شاهد آمادگی و فداکاری این انسان پاک نهاد و مصمم و شجاع بوده و جبهه های دفاع مقدس صدها خاطره از رشادت و از خودگذشتگی او حفظ کرده است.» شهید سپهبد صیاد شیرازی به علت رشادت ها و سابقه درخشان خود در مبارزه با ضدانقلاب در کردستان و نیز افتخارات خود در جنگ تحمیلی با رژیم بعثی عراق، همواره مورد خشم و تنفر گروهک های تروریستی و رژیم بعث عراق قرار داشت؛ به طوری که منافقین از وی به عنوان قاتل جاودانه فروغ ها (اشاره به

۲۱ فروردین ماه سالروز شهادت سپهبد علی صیاد شیرازی بدست منافقین کور دل می باشد. شهید بزرگواری که رهبر معظم انقلاب در وصف ایشان فرمودند: «سرزمین های داغ خوزستان و گردنه های برافراشته کردستان، سال ها شاهد آمادگی و فداکاری این انسان پاک نهاد و مصمم و شجاع بوده و جبهه های دفاع مقدس صدها خاطره از رشادت و از خودگذشتگی او حفظ کرده است.» شهید سپهبد صیاد شیرازی به علت رشادت ها و سابقه درخشان خود در مبارزه با ضدانقلاب در کردستان و نیز افتخارات خود در جنگ تحمیلی با رژیم بعثی عراق، همواره مورد خشم و تنفر گروهک های تروریستی و رژیم بعث عراق قرار داشت؛ به طوری که منافقین از وی به عنوان قاتل جاودانه فروغ ها (اشاره به

بودند، خارج شد. بدین گونه سیاست های دوگانه دول غربی در قبال قوانین مورد تصویب خودشان در حوزه حقوق بشر آشکار گردید. نگاهی به قوانین و حقوق بین الملل در حوزه گروهها و اقدامات تروریستی، موضوع منافقین را شفافتر میکند. بر اساس متن کنوانسیون های چهارگانه ژنو در ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی به آن ها در ۱۹۷۷، صراحتاً در مواد ۴۲ و ۴۴ پروتکل الحاقی اول اشاره می کند: «هیچگونه تفکیکی میان نیروهای مسلح نظامی و شبه نظامیان صورت نگرفته است. لذا اعضای نهضت های آزاد بیخشم ملی حتی در قالب نیروهای شبه نظامی نیز نیابستی مرتکب اقدام تروریستی شوند و ارتکاب چنین اقداماتی ممنوع می باشد. لذا هر کسی در یک مخاصمه مسلحانه شرکت کند، ملزم به رعایت قاعده ممنوعیت ارتکاب اقدام تروریستی می باشد.» اینگونه است که بر اساس همین قوانین تصویب شده در سازمان های بین المللی، حتی اگر به ادعای دول غربی و در رأس آن ها آمریکا، گروهک تروریستی منافقین یک اپوزیسیون یا به اصطلاح ارتش آزادی بخش باشند، باز هم حق توسل به اقدامات تروریستی را ندارد. حقوق بشر دوستانه اعم از کنوانسیون های چهارگانه ژنو، پروتکل های الحاقی، حقوق عرفی و سایر معاهدات موجود در این زمینه، بدون هیچ استثنائی اقدامات تروریستی ارتکاب یافته در جریان یک مخاصمه، اعم از داخلی یا بین المللی را ممنوع و ناقضان عمده این قوانین را جنایتکار جنگی می دانند و از دولت های خواهنده که آن ها را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند. مطابق با کنوانسیون های ژنو، دولت های عضو نه تنها متعهد به اجرای مفاد این

منافقین در ۲۸ فروردین ۱۳۷۸، ۱۷ آوریل ۱۹۹۹ طی نامه ای به دبیر کل سازمان ملل متحد ضمن پذیرش دوباره مسئولیت ترور شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، مذبوحانه از مقامات سازمان ملل در خواست کرد تا از این گروه تروریستی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران حمایت کند. این نامه را باید نتیجه گستاخ تر شدن این گروهک در قبال سیاست دوگانه دول غربی در قبال اقدامات تروریستی منافقین دانست. گروهک منافقین پیش از این و در سال ۱۹۹۷ میلادی، در لیست گروههای تروریستی امریکا قرار گرفته بود. دلیل این اقدام، سابقه طولانی جنایت این گروهک در ایران و عراق نبود، بلکه بیشتر به علت کشتن ۶ مستشار آمریکایی در دهه ۱۹۷۰ میلادی (قبل از انقلاب اسلامی ایران)، این اقدام صورت گرفت. در سال ۲۰۰۲ اتحادیه اروپا نیز در واکنش به سه دهه جنایت این گروهک تنها به آوردن نام این گروهک در لیست گروههای تروریستی اکتفا می نماید. البته تحت شرایط سیاسی و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران، طی چند سال آینده، نام گروهک منافقین از لیستی که کشورهای غربی و اتحادیه اروپا تحت عنوان سازمان های تروریستی تهیه کرده

در آن سال ها که تلاش جامعه بین المللی متمرکز بر پیشگیری از اقدامات تروریستی بود و دولت های غربی در حال تهیه قطعنامه ها و تشکیل کنوانسیون های پی در پی جهت جلوگیری از اقدامات تروریستی بودند، گروهک منافقین به طور علنی مسئولیت این اقدام تروریستی را به عهده گرفت و در سایه سکوت مجامع جهانی و حمایت رژیم بعث عراق، به فعالیت های تروریستی خود علیه ملت ایران ادامه داد. دولت وقت ایران در حالی اعتراض خود را علیه دولت عراق به مجامع بین المللی اعلام داشت که این ترور با حمایت مستقیم رژیم بعث عراق انجام شده بود. اما دول غربی و مدعیان حقوق بشر موضعی مسئولانه در قبال این ترور اتخاذ نکردند. این در حالی است که استفاده از خاک و قلمرو و امکانات کشورها جهت اقدامات تروریستی علیه کشورهای دیگر، ضدیت کاملی با مبانی مبارزه با تروریسم داشت و این مهم نیز صریحاً در قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت در سال ۲۰۰۱ درج شد. اما حتی پس از این قطعنامه نیز گروهک منافقین برای انجام اقدامات تروریستی خود علیه ایران از خاک کشور عراق استفاده می کرد و رسماً مسئولیت آن ها را بر عهده می گرفت. گزینشی عمل کردن سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا در برخورد با موضوع تروریسم باعث شد تا منافقین برای ادامه اعمال تروریستی گستاخ تر شوند. مسعود جوی سر کرده



## سر لشکر بسیجی صیاد شیرازی کیفر یافت

**اعترافهای صیاد شیرازی در دهمین سالگرد فروغ جاویدان در تلویزیون رژیم (۲۷/۷)**

روز گذشته در سریل دهب و کمره پانل و کمره و اسلام آباد و کرمانشاه، بیانیه نامیدان آزادی و تکوین ما فرمان خلق هستیم... از شب زود اینجا تا آخر بهار که داخل خاندان من کرده چهار روز... حضور داشتیم. بگذرد پذیر منافقین بدانی که ما تکلیفمان را دنبال می کنیم تا آنها را به سرای جهنمستان برسانیم حالا صدای صیاد شیرازی کشته ها را... پشه درون می شود به دست ما...

**عملیات مجاهد شهید طاهره طلوع از فرماندهان عملیات فروغ جاویدان**

مجاهد طاهره سوزداری  
مجاهد طاهره علی ابراهیم  
مجاهد طاهره احمد سعیدی  
مجاهد طاهره اسرار زاده زوری

**فرمانیه**

مجاهدین در عملیات مرصاد از سوی منافقین کور دل ترور شدند. این مجاهدین در جریان عملیات مرصاد در خوزستان کشته شدند. این مجاهدین در جریان عملیات مرصاد در خوزستان کشته شدند. این مجاهدین در جریان عملیات مرصاد در خوزستان کشته شدند.



کنوانسیون‌ها هستند، بلکه موظف به تضمین اجرای آن نیز می‌باشند. لذا دولت‌های عضو بایستی تمامی اقدامات لازم را برای جلوگیری از ارتکاب اینگونه اقدامات انجام دهند و اگر اقدامات تروریستی نقض شدید کنوانسیون‌های ژنو بوده، تمامی کشورها موظف به پیگیری و مجازات مرتکبین آن‌ها می‌باشند. لذا هر اقدام تروریستی که جنایت جنگی محسوب شود، می‌تواند در مراجع بین‌المللی رسیدگی شود و کشورها نیز این صلاحیت را دارند که عاملین آن گروه تروریستی را تعقیب کرده و مجازات نمایند.

امروزه سرکردگان و اعضای گروهک

منافقین که در اقدامات تروریستی

علیه ملت ایران دست

داشته‌اند، در خاک تعدادی

از کشورهای اروپایی حضور

دارند. این در حالیست که

با توجه به دادخواست‌های

مکرر خانواده شهیدا و

دولت جمهوری اسلامی

ایران مبنی بر دستگیری

و مجازات عاملین اقدامات

تروریستی علیه ملت

ایران، باز هم شاهد هستیم

که کشورهای غربی و مراجع

کیفری بین‌المللی در این زمینه

قوانین خود را نیز آشکارا نقض می‌کنند.

در این راستا در دادگاهی بی‌طرف در فرانسه،

طرح دعوایی درباره ترور شهیدسپهبد علی صیاد شیرازی

علیه گروهک منافقین توسط خانواده این شهید مطرح شده

است. اما با گذشت چندین سال روند قضایی آن در فرانسه هنوز

به نتیجه‌ای نرسیده است. هر چند اسناد و شواهد زیادی در

رابطه با ترور سپهبد صیاد شیرازی بدست گروهک منافقین

موجودمی‌باشد که از آن جمله میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. اعلام رسمی گروهک منافقین.

۲. نشریه‌های مجاهد شمارگان فروردین‌ماه ۱۳۷۸.

۳. قطعنامه ۲۵ فروردین ۱۳۷۸ شورای ملی مقاومت (گروهک منافقین).

۴. نامه مسعود رجوی به دبیر کل سازمان ملل متحد ۲۸ فروردین ۱۳۷۸(۱۷ آوریل ۱۹۹۹) که رو نوشت شده آن به اعضای شورای امنیت ملل متحد و آقای فردا کهارد(اکهارت) سخنگوی وقت سازمان ملل متحد ارسال شده است.

۵. فیلم و تصاویر منتشر شده از سوی گروهک منافقین پس از این حادثه.

خواستهٔ حقوقی و به‌حق جمهوری اسلامی ایران و خانواده‌های شهدای ترور، این است که مجامع حقوقی غربی و دولت‌های آنان برخلاف روال گذشته به این پرونده رسیدگی کنند و انتظار می‌رود تا با استناد به قوانین مصوب خود در زمینه حقوق بشر و مبارزه با تروریسم و خشونت گرای، گروهک منافقین را به کیفر این اقدام تروریستی برسانند.

این است که مجامع حقوقی غربی و دولت‌های آنان برخلاف روال گذشته به این پرونده رسیدگی کنند و انتظار می‌رود تا با استناد به قوانین مصوب خود در زمینه حقوق بشر و مبارزه با تروریسم و خشونت گرای، گروهک منافقین را به کیفر این اقدام تروریستی برسانند.

لیست ۱۷هزار نفری شهدای ترور، سندی بر قربانی بودن ایران در زمینه تروریسم و خشونت‌گرایی گروهک‌های متخاصم است. گروهک‌هایی که امروز در کشورهای غربی دارای دفتر رسمی بوده و سرکردگان آن‌ها به‌راحتی در این کشورها تردد می‌کنند. این تناقض در رفتار مدعیان حقوق بشر در مواجهه با پدیده تروریسم را نشان می‌دهد و تنها به گسترش خشونت و اقدامات تروریستی این گروهک‌ها منجر خواهد شد.

## طراح ترور شهید صیاد

## شیرازی چه کسی بود

زهره قائمی که از اعضای تراز اول گروهک منافقین بود روز یکشنبه دهم شهر یورماه سال ۱۳۹۲ در جریان حمله گروهی به پادگان اشرف واقع در خاک عراق در سن ۴۹سالگی به‌همراه حدود ۷۰نفر دیگر از اعضای منافقین به هلاکت رسید. او طی سال‌های ۷۲ تا ۷۵ از مسئولان دفتر مریم رجوی بود.

زهره قائمی که از ۱۲ سالگی فعالیت‌های سیاسی خودش را با عضویت در گروهک آغاز کرد درباره زندگی و چگونگی عضویت در این سازمان می‌گوید: «سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای متوسط در تهران متولد و سال ۴۹ وارد مدرسه شدم. کلاس چهارم بودم که پدرم به‌علت بیماری سرطان فوت کرد. وضع مالی مان به‌نسبت وقتی که پدرم بود، سطحش پایین‌تر آمده بود، ولی مادر من هیچ‌وقت نمی‌گذاشت به‌ما بد بگذرد. سه‌سال راهنمایی رادر مدرسه علوی درس خواندم. به‌علت این‌که سعیدمحسن فامیل‌مان بود، برادر من سیاسی شده و با سازمان آشنا بود. او من را هم از سال ۵۵ یا ۵۶ با سازمان آشنا کرد. کلاس دوم و سوم راهنمایی زندگینامه شهدا را خوانده بودم. تابستان ۵۸ همراه برادر من به انجمن میثاق رفتم و از آن‌جا فعالیت‌م‌را که کار تبلیغاتی بود شروع کردم.

دگه می‌زدیم، یا کارهای تبلیغاتی دیگر در محلات جنوب تهران، خیابان مولوی، میدان خراسان انجام می‌دادیم. با شروع مدارس از انجمن محلات به دانش‌آموزی منتقل شدم، مدرسه «شیرین» به دانش‌آموزی جنوب وصل بود. من مدتی در شورای مدرسه مسئول سیاسی بودم.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز اعدام‌های خیابانی طرفداران نظام، ترورهای کور، به شهادت رساندن مردم بیگناه و ایجاد ناامنی در شهرها به دست اعضای گروهک منافقین، چهره حقیقی اعضای این سازمان بر ملا شد. از همین رو زهره قائمی که به‌عنوان میلیشیا (نیروی شبه نظامی) فعالیت داشت پیش از ۳۰خرداد ۶۰از سوی عناصر انقلابی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دستگیر و به‌مدت پنج‌سال در زندان قزل حصار زندانی شد. زهره قائمی با ادبیاتی که ویژه سازمان منافقین است درباره خروجش از ایران توضیح می‌دهد: «سال ۶۵ که از زندان آزاد شدم، در صدد وصل بودم که نهایتاً دی‌ماه وصل شده و کد رادیویی گرفتم و هفتم اسفند ۶۵ اعزام شدم.»

او پس از استقرار در کشور عراق، در نبردهای «آفتاب»، «چلچراغ» و «فروغ جاویدان» با دشمن هم‌دست و هم‌پیمان شد و در شورای رهبری منافقین به‌عنوان یکی از فرماندهان ارشد علیه رزمندگان جمهوری اسلامی ایران جنگید.

قائمی در یادداشتی در خواست کرده‌بود: «من زهره قائمی فرزند کریم، متولد ۱۳۴۳، عاجزانه در خواست دارم مرا به‌عنوان پیک مریم رهایی به داخل اعزام نمایید. گواهی می‌دهم در این سالیانی که با سازمان بوده‌ام، هر جا که راه‌باز شده، از فدا (در راه کسی یا مقصودی جان خود را دادن) و پرداخت مطلق بوده‌است و خدا را شکر می‌کنم که با انقلاب رهایی بخش خواهر مریم، به این ایمان رسیدم؛ و شب قدر از خدا خواستم که در این راه عقابت به خیر شوم. ۱۱ بهمن ۷۵.»

او که از معاونین مریم رجوی به حساب می‌آمد در جریان یک‌درگیری در مردادماه سال ۸۸ مورد هدف گلوله مستقیم قرار گرفت و با هلی کوپتر به بیمارستان ارتش آمریکا در بغداد منتقل و در مان شد.



## فرجام‌مسئول عملیات ترور شهید صیاد شیرازی

خوش خدمتی‌های او در شهر یور سال ۱۳۹۰ موجب شد تا «زهره‌اخیانی» مسئول اول گروهک منافقین او را به‌عنوان هم‌ردیف مسئول اول سازمان معرفی کند. او دو سال مسئول پادگان اشرف بود تا این‌که روز دهم شهریورماه سال ۱۳۹۲ به‌دنبال یک حمله، ۷۰تن از نیروهای اصلی منافقین از جمله هفت تن از شورای رهبری و مسئولان اطلاعات و عملیات سازمان منافقین با بیش از ۳۰ سال سابقه جنایت، به‌هلاکت رسیدند.

یکی از اعضای جداشده از سازمان منافقین می‌گوید: «از آن‌جا که رجوی همیشه روی پدیده ریزش و فرار به‌خصوص از میان اعضای رهبری و رده‌های بالای تشکیلاتی‌اش حساس بود و آن‌را مرز سرخ خود می‌داند، بدیهی است روی تعیین تکلیف کردن با این افراد اهمیت ویژه‌ای قائل باشد. به‌زعم رجوی، انتخاب این افراد برای چنین مراحل حساسی به‌دلیل ماهیت خشونت‌آمیزش هم می‌تواند جلو هزینه‌های ناشی از جداشدن این افراد را بگیرد و از سویی با به کشتن دادن این افراد در درگیری‌ها هزینه‌های آن‌را یک‌سره بر دولت عراق و یا جمهوری اسلامی و یا بر دوش جداشدگان به‌عنوان عوامل عراق و جمهوری اسلامی تحمیل کند.

بر این روال می‌توان حدس زد کسانی که زیر پوشش حافظان منافع مجاهدین در اشرف انتخاب شده‌قاعدتا بایستی از میان این دو طیف پاکبختگان امتحان پس داده و یا مسئله‌داران غیر قابل اعتماد باشند. می‌شود نتیجه گرفت رجوی واقعا روی مسئله‌دار شدن و فرار اعضای شورای رهبری و امثال زهره قائمی به‌طور مضاعف حساس است!دلیلش این است که آن‌ها را جزء خالص‌ترین فدائیان می‌داند و از طرفی این افراد اطلاعات دست‌اولی از وضعیت رجوی دارند که بازگو کردن آن هزینه‌های جبران‌ناپذیری را بر او تحمیل می‌کند.

کنار هم گذاشتن این کدها و نشانه‌ها با اعلام‌خبر کشته‌شدن زهره قائمی و گیتی گیوه‌چیان‌زاده در جریان درگیری روز یکشنبه ۱۰ شهریور ۹۲ این احتمال را قوت می‌بخشد که او لا مسئله‌دار بودن زهره قائمی و گیتی گیوه‌چیان‌زاده صحت داشته‌و این که نگه‌داشتن او در اشرف بادر نظر گرفتن درگیری اجتناب‌ناپذیر با نیروهای عراقی ادامه همان سناریویی است که حالا با کشته شدن او به تعیین تکلیف مورد نظر رجوی با یکی از اعضای مسئله‌دار شده شورای رهبری‌اش منجر شده‌است. نکته دیگر اعلام تدریجی اسامی کشته‌شدگان توسط سازمان مجاهدین است که سخن جداشدگان در مورد تسویه‌حساب‌های درون تشکیلاتی سازمان را برای مخاطبینی که کمتر از اوضاع و احوال درونی باخبرند، قوت می‌بخشد.»



## صیاد دلا

# ناگفته های ترور شهید صیاد شیرازی

گفتگو با فرزند شهید

◀ **دکتر مهدی صیاد شیرازی**



فرزند شهید س‌هید صیاد شیرازی در گفتگویی مشروح که با هدف بررسی زاویه دیگر از ترور وی و همچنین ویژگی‌های برجسته شخصیتی این شهید صورت گرفت، موضوعات مختلفی را مورد توجه قرار داد.

◌ شب قبل از ترور چه مسائلی بین شهید صیاد شیرازی و خانواده گذشت؟

در آن سال من سوم دبیرستان بودم و شب شهادت ایشان شب امتحان درسی بنده هم بود و برای استفاده از محضر ایشان و طرح مسائل درسی خود به ایشان مراجعه کردم چراکه ایشان بر ریاضیات و زبان انگلیسی تسلط کاملی را داشتند.

ایشان هم تازه از سفر مشهد مقدس و زیارت امام رضا (ع) و دیدار با والده برگشته بودند و روحیه معنوی قوی هم در وجودشان بود و این روحیه معنوی را به فضای خانواده نیز انتقال داده بودند و نه تنها در شب شهادتشان بلکه همیشه با خانواده مهربان و با محبت بودند.

◌ صحبت خاصی در آن شب با خانواده نداشتند؟
به خود بنده بیشتر توصیه ایشان پرداختن به درس و علم بود تا مسائل علمی خود را با توجه بیشتری پیگیری کنم و حتما با دیگر اعضای خانواده نیز به طور حتم مباحثی را مطرح کرده‌اند.

◌ در صبح روز ترور شما در اون صحنه حاضر بودید، واقعه ترور ایشان چگونه بود؟

در روز ترور من و برادرم برای رفتن به مدرسه آماده شده بودیم و قرار بود که پدرم ما را به مدرسه برسانند. بنده کمی زودتر وارد حیاط شدم و پدرم از حسینیه‌ای که در طبقه پایین منزل ما بود یادو کیفی که در دست داشتند خارج شدند و آن دو کیف را در صندوق عقب ماشین تویوتایی که داشتند قرار دادند و بنده هم کیف مدرسه خودم را در ماشین گذاشتم و درب پارکینگ را باز کردم و ایشان ماشین را ساعت شش و ۳۰ دقیقه بود که از پارکینگ منزل خارج کردند و چند دقیقه‌ای برای اینکه برادرم هم به ما ملحق بشوند در مقابل درب منزل توقف کردند.

در این لحظه من مشغول بستن درب پارکینگ بودم و شخصی را دیدم که با لباس نارنجی رنگ شهرداری در حالی که ماسک به صورت و یک خارو در دست داشت، و در حالی که مشغول جار زدن زمین بود به ماشین نزدیک شد و نامه‌ای را به پدرم داد و در حالی که پدرم مشغول مطالعه این نامه بودند، این فرد اسلحه‌ای را از لباس خودش خارج کرد و چهار گلوله به سر ایشان شلیک کرد و به سرعت به سمت کوچه پایینی منزل ما فرار کرد و در همان لحظه صدای موتوری را



شنیدم؛ لذا به احتمال زیاد این فرد تنها نبود.

وقتی بنده صدای تیر را شنیدم به سمت ماشین حرکت کردم و پدرم را غرق در خون دیدم و دیگر اعضای خانواده نیز که صدای شلیک را شنیده بودند به سمت درب منزل آمدند و ما به سرعت ایشان را به بیمارستان رساندیم ولی به دلیل اینکه گلوله‌ها به نقطه حساس بدن ایشان یعنی سر، مغز و جمجمه اصابت کرده بود به فیض شهادت نائل شدند.

◌ در مورد پیگیری پرونده ایشان چه مراحل توسط خانواده، وکلای شما و دولت طی شده است؟
در حال حاضر پرونده ترور شهید صیاد شیرازی در حال بررسی است و بنده نیز به عنوان شاکی و شاهد دنبال این کار هستم و همه نهاد‌های قضایی از جمله قوه قضائیه، زحمت کشیده‌اند.

در حال حاضر این پرونده به فضای بین‌المللی و در یک داد‌گاه بی طرف در کشور فرانسه پیگیری می‌شود و طرح دعوا و شکایت خانواده را مطرح کردم و چگونگی به وقوع پیوستن را هم برای مسئولان این داد‌گاه شرح دادم و اسناد و مدارکی را در اختیار آنها گذاشتم ولی همچنان نتیجه قطعی برای بیان حاصل نشده است.

◌ خود شما این شکایت را طرح کرده‌اید؟

نه شکایت از سوی خانواده طرح شده و این شکایت به طور رسمی در همین فروردین ماه سال گذشته مطرح شد اما در گذشته نیز وکلای ما شکایتی را برای طرح دعوا در کشور فرانسه طرح کرده بودند.

از همان ۱۰ سال پیش وقتی پرونده وارد پروسه قضایی شد وکلای ما نیز گرفته شد و زمانی که قرار شد در فرانسه نیز طرح دعوا صورت بگیرد و قرار شد به دلیل اینکه خود سازمان مجاهدین خلق (منافقین) این ترور را بر عهده گرفتند لذا از این سازمان شکایت‌ها صورت گرفت.

◌ تا به امور چند جلسه برای رسیدگی به این پرونده تشکیل شده؟

تعداد جلساتی که وکلای ما حضور داشتند زیاد بوده اما خود داد‌گاه فرانسه برای اولین بار از بنده به عنوان شاهد و شاکی پرونده دعوت کرده بود همین فروردین ماه سال جاری بود و بیشتر سوالات در این داد‌گاه حول محور نحوه ترور و شرح واقعه بود.

◌ فکر می‌کنید چه میزان زمان برای به نتیجه رسیدن این پرونده وجود دارد و در داد‌گاه فرانسه هم چه اقداماتی انجام شده؟

ما تنها اطلاعاتی که به ما رسیده را بیسان می‌کنیم و این مسئله این است که ۳الی ۴ سال است که این مسیر به این کیفیت دنبال می‌شود و قبلا تنها در ایران مسیر دنبال می‌شد و تصمیم گرفته شد پرونده ایشان و دیگر شهدای ترور از طریق خود کشوری که این مجرمین در آن حضور دارند نیز پیگیری شود.

◌ تحلیل خود شما برای به نتیجه رسیدن این پرونده و بازداشت عاملان این ترور چیست؟

من متناسب با سسند و مدارک موجود صحبت می‌کنم اما خود سازمان مجاهدین خلق این ترور را براساس اخبار منتشر شده از سوی آنها در اینترنت و هم براساس فیلم‌هایی که منتشر کرده‌اند این موضوع را بر عهده گرفتند و تا یک زمانی هم داد‌گاه فرانسه و مسئولان قضایی آن کشور نیز متوجه این قضیه شده‌اند و در حال بررسی دیگر ابعاد این ترور هستند.

سازمان مجاهدین خلق نیز علت ترور ایشان را مقابله با منافقین در عملیات مرصاد عنوان کرده‌اند و این سخنان خود را با فیلم و برخی اسناد مطرح کرده‌اند.

◌ آیا این سازمان به اهداف خود در ترور شهید صیاد شیرازی دست پیدا کرده است؟

این افراد اهدافشان برای شهید صیاد شیرازی در حوزه اهداف سازمان مجاهدین خلق بود و به دنبال منافع گروهی و سازمانی خودشان بودند و در حوزه مخالفت بانظام جمهوری اسلامی ایران هست و تنها بدنبال سرکوب کردن افرادی مانند شهید صیاد شیرازی بود؛ چرا که چنین شخصیت‌هایی را مخالف و مانع تحقق اهداف خودشان می‌دانند.

گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق گروه های مخرب و تروربستی هستند و متاسفانه گروه‌هایی که ادعای حقوق بشری را در جهان دارند گروه منافقین را از لیست تروربست‌ها خارج می‌کنند ولی ما معتقد هستیم همه تروربست‌ها و همه افرادی که اینگونه گروه‌ها را تربیت می‌کنند باید مجرم شناخته شوند و در مقابل عملکر دشان پاسخگو باشند.

ما امروز مشاهده می‌کنیم برخی از افراد در آمریکا ادعای دوستی با ایران دارند اما پشت این زبان چرب و نرم یک چهره زشت وجود دارد و در اصل آمریکا و صهیونیسم خود تروربسم هستند.

◌ بر عهده گرفتن این ترور از سوی مجاهدین خلق نشانه چیست؟

این امر نشان می‌دهد که این افراد یک برنامه آتی نداشتند بلکه از مدت‌ها قبل برای ترور ایشان برنامه‌ریزی کرده بودند و شهید صیاد شیرازی جز ترور این گروه بود تا راه اجرای برنامه‌های خود را باز کنند و احتمال دارد این افراد مدت‌ها قبل برای این امر برنامه‌ریزی کردند و به دنبال فرصت مناسب برای تحقق این امر بودند و شاید این زمان را که ایشان راننده و محافظ نداشتند، بهترین فرصت برای ترور دیدند.

◌ چرا ایشان راننده و محافظ نداشتند؟

در آن مقطع زمانی و لحظه شهادت خودشان رانندگی می‌کردند. ایشان یک خصوصیته که داشتند این بود که مردمی بودند سعی می‌کردند به کسی زحمتی ندهند هم

خودشان رانندگی کنند هم محافظ استفاده نکنند.

من یادم هست کسانی هم این حرف را به ایشان می‌زدند، ایشان جواب می‌داد که محافظ هم بنده خداست. تا آنجا که می‌توانستند سعی می‌کردند احساس مسئولیت در این مساله داشته باشند و نمی‌خواستند کسی را به زحمت و خطر بیاندازند، ضمن اینکه این مسئله حفاظت ایشان، برای خانواده‌شان هم محرومیت‌هایی را می‌آورد بالاخره هر جایی می‌رفتند باید با یک گروهی می‌رفتند ولی با عدم حضور محافظ از نزدیک می‌توانستند با بچه‌ها و خانواده باشند.

البته ما هم در آن زمان و هم امروز گفته‌ایم که تا حدودی در این امر غفلت شد و همیشه گفته‌ایم که هم در آن زمان و هم امروز برای برخی از شخصیت‌های ما غفلت صورت می‌گیرد و نظر من این است که باید این حفاظت در مرود افرادی که شخصیت مردمی دارند بصورت نامحسوس انجام بشود.

◌ چه خصلت‌هایی در شهید صیاد شیرازی وجود داشت که شخصیت او را فردی مردمی کرده بود؟

یکی از ویژگی‌های ایشان غیر از اخلاق خوب و مهربانی ایشان با مردم و خانواده و با طبقات مختلف جامعه داشتند شرکت در نماز جمعه بدون اینکه در محل مخصوص شخصیت‌ها حضور پیدا کنند و در صف‌های عقب و در کنار قشر‌های مختلف مردم حضور پیدا می‌کردند.

شهید صیاد شیرازی بدون هیچ تشریفاتى در جلسات مذهبی و در کنار مردم حضور پیدا می‌کردند و یکی از جلساتی که ایشان شرکت می‌کردند و به آن علاقه داشتند جلسات حاج آقا مجتبی تهرانی بود که محفلی برای جوانان بود و ایشان هم در کنار مردم مشغول یادداشت مطالب آموزنده این جلسات بودند. شهید صیاد شیرازی به فقرا و نیازمندان رسیدگی زیادی داشتند و حتی اکثر این افراد که بصورت آبرومند اما در فقر زندگی می‌کردند اگر شهید صیاد شیرازی متوجه می‌شدند حتما به آنها ز نظر مالی و معنوی کمک می‌کرد و در مجموع رابطه صمیمی با مردم داشتند.

شهید صیاد شیرازی تا جایی که توان داشت تلاش می‌کرد مشکلات مردم را حل کند و تا می‌توانست جواب رده به درخواست آنها نمی‌داد.

◌ پس از شهادت صیاد شیرازی چه شرایطی برای شما و خانواده ایجاد شد؟

بیشتر تاثیر خلا حضور ایشان عاطفی بود چرا که ایشان هم پدر و هم استاد زندگی ما بودند و لذا جای خالی ایشان بسیار محسوس بود و اگر این افراد دستگیر می‌شدند و عاملان این ترور محاکمه می‌شدند و نتیجه قطعی و پیروزی حاصل می‌شد باعث تسکین خاطر خانواده می‌شدد، اما همین عدم حصول یک نتیجه قطعی باعث روشنتر شدن مظلومیت ایشان هست و امیدواریم که مجرمان این ترور و افراد دیگر که به دست این افراد ترور شده‌اند به سزای اعمال خود برسند.

◌ تصویری که جامعه و مردم ما از این حادثه در خاطر دارند حضور مقام معظم رهبری در مراسم تشییع پیکر ایشان هست نحوه حضور ایشان را شرح می‌دهید؟

شب تشییع پیکر ایشان خانواده در غسل‌خانه با پدرم آخرین صحبت‌ها و وداع‌ها را انجام دادند و به ما گفته شد که قرار است مراسم تشیع پیکر ایشان در ستاد کل نیروهای مسلح انجام شود و قرار شد مراسم ایشان در همان محل کار ایشان برگزار شود.

در این مراسم همه اعضای خانواده حضور داشتند و به ما خبر دادند که مقام معظم رهبری هم در مراسم حضور پیدا کرده‌اند که بنده به دلیل اینکه توفیق دیدار ایشان را تا آن زمان نداشتم و در آن زمان شرایط عاطفی خاصی بر من و خانواده حاکم بود اولین دیدارم در کنار تابوت پدرم با ایشان بود و زمانی که با ایشان مواجه شدم اول خم شده تا پای ایشان را ببوسم و ارادت خودم را به ایشان نشان بدهم و ایشان هم ما را مورد مهر و محبت خود قرار دادند و روز‌های بعد از تلویزیون بوسیده شدن تابوت پدرم را توسط مقام معظم رهبری دیدم.

در آن دیدار به مقام معظم رهبری گفتم که ایشان در راه امام حسین (ع) شهید شدند که ایشان لیخند محبت آمیزی به بنده زدند و مادر بنده نیز به ایشان گفتند: «برای ما دعا کنید تا همه ما بگونه‌ای شهید شویم» و مقام معظم رهبری هم پاسخ دادند «شهادت افتخار همه ما است» و بعد از این مراسم صبح‌روز بعد زمانی که بر سر مزار ایشان حاضر شدیم دیدیم که مقام معظم رهبری نیز در آنجا از صبح زود حضور پیدا کرده‌اند و مادر ما به ایشان گفتند: «ایس که گریه کرده‌اند دیگر توان و قوت اشک چشم ایشان خشک شده است» و مقام معظم رهبری در پاسخ فرمودند: گریه کردن برای شهید صیاد شیرازی بسیار تسکین دهنده است و شما شریک زندگی ایشان بودید و صبری و همراهی که با ایشان در طول دفاع مقدس و پس از آن داشتید بطور حتم شما را در پاداش شهادت ایشان شریک می‌کند.

◌ ایشان از دریافت درجه سر لشکری و کلاز تقا در چه چه احساسی داشتند؟

موارد زیادی بود که ایشان ابراز می‌کردند که به دنبال ارتقا درجه نیستیم یا به دنبال یک رتبه و درجه مادی نیستم و کارم رانمی‌خواهم برای یک همچنین هدف کوچکی انجام بدهم. ایشان تعلقی به دریافت درجه نداشتند و نیت اصلی ایشان خدمت به مردم و رضای خداوند بود تا اینکه ارتقای درجه برای ایشان مهم باشد.

درجه سر لشکری هم به ایشان ابلاغ شده بود و قرار بود در همان روز‌های که شهید شدند از دست مقام معظم رهبری دریافت کنند و چون به فیض شهادت نائل شدند یک درجه ارتقا پیدا کردند و درجه سپهبد به خانواده اهدا شد.

◌ از آن لحظه‌ای که برای دریافت درجه سپهبدی خدمت مقام معظم رهبری رفته بودید می‌فرمایید.

به خانواده ما گفته شد که یکی از اعضای خانواده باید برای دریافت درجه به نیابت از این شهید خدمت مقام معظم رهبری بروند و لذا چون هم بنده علاقه بسیاری به دیدار دوباره ایشان داشتم و هم شرایط روحی من بهتر از دیگر اعضای خانواده بود؛ لذا بنده به دیدار ایشان رفتم.

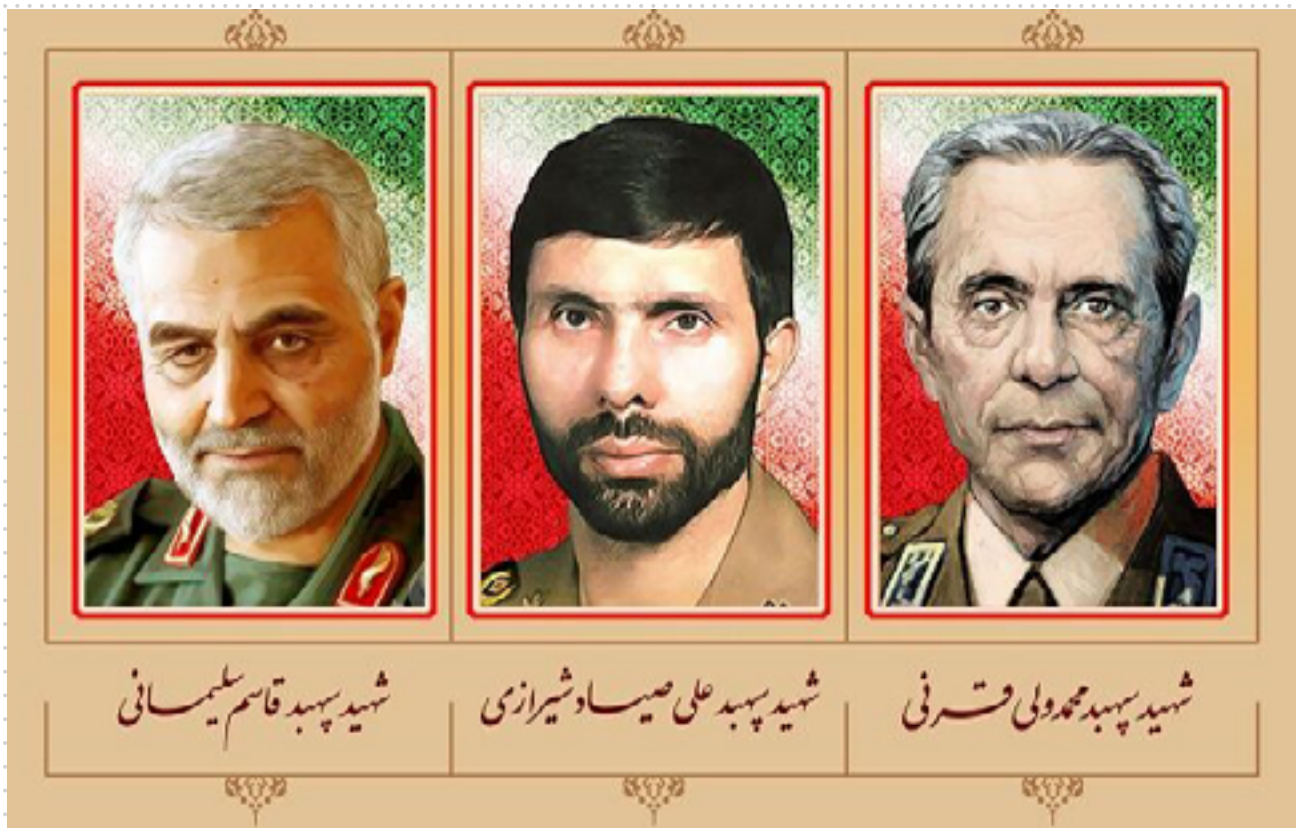
◌ قرآنی هم در این دیدار با خود خدمت مقام معظم رهبری برده بودید از این قرآن فرمائید.

بله در این دیدار یک قرآن همراه خودم بردم تا مقام معظم رهبری مطالبی را در ابتدای این قرآن بنویسند و مقام معظم رهبری نوشتند: بسم‌الله الرحمن الرحیم جوانی را در راه خودسازی روحی، جسمی و فکری مغتنم بشمارید و نماز را با توجه و حضور قلب بخوانید و با قرآن عزیز انس پیدا کنید و فضای معطر شهادت را که زندگی شما را معطر کرده قدر ببانید و بنده نیز تلاش می‌کنم زندگی خود را بر



## سپهدهای شهید!

### قربانی ترور یسم سازمان یافته



همین اساس پایه گذاری کنیم و از ایشان خواستیم تا برای ما دعا کنند.

\* پدر تان معمولاً تأکیدات و سفارشات ویژه‌ای هم به شما داشت؟ توصیه همیشگی پدرم ایستادگی بر سر هدف، و دفاع از کلمه حق در هر شرایطی بود و تأکید داشتند که این ۲ امر مهم تنها در سایه قرار گرفتن در خط اصیل ولایت حاصل می‌شود.

پدرم توصیه همیشگی ایشان این بود که تبعیت از ولایت، در همه جا و در همه حال معیار ما در تمامی گزینش‌ها اشاره ایشان است.

به یاد دارم که پدرم در زمان شهادت شهید لاجوردی گفتند: برای رساندن پرچم مقدس انقلاب به صاحب اصیلش حضرت مهدی (عج)، باید در ولایت ذوب شد.

اما شهید صیاد شیرازی بیشتر تلاش می‌کردند تا در عمل خود بسیاری از خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی را به ما بیاموزند و حتی در مسائل انقلابی، اجتماعی و اسلامی را به ما به همین روش انتقال می‌دادند.

اما ایشان یک توصیه را به عنوان وصیت به ما گفتند و آن هم نماز اول وقت بود و این وصیت را در یکی از نمازهای جماعتی که در منزل داشتیم در بین دو نماز به خانواده گفتند: تنها وصیت من این است که تلاش کنید نمازهای خود را اول وقت بخوانید و این حرف را یک هدیه از سوی خود به ما ارائه کردند.

هر جمعه در بین مردم به نماز می‌ایستادند و آن را به هر برنامه دیگری اولویت می‌دادند و همیشه به من توصیه می‌کردند که نماز جمعه، مرکز وحدت، عشق و ایمان به رهبری است.

ایشان در قنوت هم دعاهای مختلف را می‌خواند ولی در پایان قنوت دعای «اللهم ایدأیت الله العظمی خاتمه‌ای اللهم حفظه و وفقه و ثبته» را همیشه قرائت می‌کردند.

\* مهمترین و جاودانه ترین خاطره از ایشان در ذهن شما چیست؟ تمامی لحظاتی که ما با ایشان بودیم و در قید حیات بودند همه خاطره است ولی تمامی سفرهایی که در کنار ایشان حضور داشتم بسیار آموزنده و خوب بود چرا که فضای حاکم بود که می‌خواستیم از نظر علمی تجربه‌های خوبی کسب کنیم.

ایشان یکی از سفرهایی که ما را می‌بردند به مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس بود و همین راهیان نور قبل از اینکه چنین اسمی داشته باشد توسط ایشان حرکتش شروع شد و چنین برنامه‌هایی را دنبال می‌کردند و به نقاط مختلف مانند شلمچه، دو کوه، فکه، سفر می‌کردند و تأکید داشتند که چنین سفرهایی انجام شود و افرادی که مستقیم در جنگ حضور داشتند نیز برای مردم مناطق عملیاتی را تشریح کنند.

شهید صیاد شیرازی در همان زمان گروه «معارف جنگ را تشکیل دادند تا این گروه به طور تخصصی برای دانشجویان دانشکده افسری از نزدیک مناطق جنگی را علمی و کارشناسی توضیح می‌دادند و وقایع هشت سال جنگ تحمیلی را تشریح می‌کردند.

\* اگر روزی با ضارب شهید صیاد شیرازی مواجه شوید چه حرف‌هایی می‌زنید؟

ما همین روحیه‌ای که امروز داریم، در همان روز هم تلاش می‌کنیم با روحیه تعقل از این فریادها دفاع را سوال کنیم و از رفتارهای غیر منطقی خودداری خواهیم کرد و تنها به دنبال اجرای حکم قانون شرع و اسلام مانند امروز خواهیم بود و اینگونه برخورد کردن اشتباهات فرد را به وی متذکر می‌شود.

رهبر فکری بود که در زمان مرگش بیش از ۲۴ سال نداشت. وی با مطالعه آثار دکتر علی شریعتی، آیت‌الله طالقانی و برخی از دست‌نوشته‌های بنیانگذاران منافقین به زعم خود به قرائت نوینی از دین پرداخت. گودرزی نیروهای خویش را از میان جلسات تفسیر قرآنی که در نواحی مختلف تهران برگزار می‌کرد جذب می‌نمود. وی تلاش کرد تا تفسیر مادی و انقلابی از قرآن و اصول اعتقادی اسلام ارائه دهد و به تدوین ایدئولوژی فرقان بپردازد. این کار تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این گروه به ضدیت و مخالفت با انقلاب اسلامی پرداخت. اوج دشمنی آنان را می‌توان در ترور شخصیت‌های تأثیرگذار در انقلاب اسلامی مشاهده نمود. این گروه بعد از ترور شهید قرنی، استاد مرتضی مطهری، مهدی عراقی، آیت‌الله قاضی طباطبایی و بسیاری دیگر از خدمتگزاران به جمهوری اسلامی ایران را ترور کرد.

در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی موج فراینده ترور مسئولان و مردم عادی در کوچه و خیابان پدید آمد و به تدریج بسیاری از گروه‌های سیاسی نظامی مخالف حاکمیت که خود را ناکام در کسب اقبال عمومی مردم می‌دیدند، دست به اسلحه بردند و به اقدامات تروریستی متوسل شدند. بدین سان جمهوری اسلامی ایران از آغاز حیات خود در بهمن ۱۳۵۷ تاکنون بیش از ۱۷۰۰۰ شهید ترور را در مسیر تحقق اهداف عالی نظام اسلامی تقدیم کرده است؛ بنابراین سخن گزافی نیست اگر بگوییم ایران بزرگترین کشور قربانی ترور یسم است. هر چند که حجم گسترده ترورها مردم عادی و غیر نظامی را دربر گرفته است اما در این بین ۳ شهید نامدار ایران به دست ترور یست‌ها و هر کدام با فاصله ۲۰ سال به شهادت رسیده‌اند: ۱. شهید محمدولی قرنی در سال ۱۳۵۸؛ ۲. شهید علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۷۸ و ۳. شهید قاسم سلیمانی در سال ۱۳۹۸.

### سپهبد علی صیاد شیرازی؛ قربانی ترور یسم خشن منافقین

امیر سپهبد علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۲۳ شمسی در شهرستان درگز در استان خراسان به دنیا آمد و پس از تحصیلات دبیرستان وارد دانشگاه افسری شد. وی در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ درجه کارشناسی از دانشگاه افسری گردید و پس از طی دوره تخصصی توپخانه به عنوان استاد در مرکز آموزش توپخانه اصفهان مشغول به تدریس شد. او از مخالفان رژیم شاه بود تا جایی که توسط عوامل آن رژیم دستگیر و زندانی شد.

شهید صیاد شیرازی نقش حساسی در عدم توفیق تجزیه طلبان در کردستان و آزادسازی

### سپهبد محمدولی قرنی؛ قربانی التقاط و انحراف گروهک تروریستی فرقان

نخستین فردی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی هدف حمله گروه تروریستی فرقان قرار گرفت سررتیب محمدولی قرنی بود. وی عنوان اولین ریاست ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران را داشت و در حوادث کردستان و توطئه ضدانقلابیون که سودای تجزیه ایران را داشتند با قاطعیت رفتار کرد و خدمات بزرگی به حکومت نوپای اسلامی کرد و به خاطر همین سرسختی در مقابل فتنه‌گران ضدانقلاب طرح اولیه ترور وی از سوی اعضای فرقان مطرح و ظهر روز دوشنبه، سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ ترور شد.

گروه تروریستی فرقان یکی از گروه‌های فکری سیاسی بود که در اواخر سال ۱۳۵۵ به رهبری شخصی به نام اکبر گودرزی شکل گرفت. این گروه از لحاظ ترکیب انسانی متکی به یک





# صیاد دلا

خرم‌شهر ایفانمود و حضور او در هشت سال دفاع مقدس، پیروز یهای متعددی را برای کشور اسلامی به همراه داشت. وی در تیر ماه ۱۳۶۵ به فرمان امام به عضویت شسور ای عالی دفاع منصوب شد و در اردیبهشت ۱۳۶۶ به درجه سر‌تیبی ارتقا یافت. سپهبد صیاد شیرازی در سال ۱۳۶۸ به سمت معاونت بازرسی ستاد ارتش، در شهریور ۱۳۷۲ به سمت جانشین رئیس ستاد کل ارتش و در فروردین ۱۳۷۸ از طرف رهبر معظم انقلاب به درجه سرلشکری نائل آمد که این درجه با افتخار شهادت به سپهبد ارتقا یافت.

سرانجام امیر سپهبد صیاد شیرازی، جانشین ستاد کل نیروهای مسلح در بامداد بیست و یکم فروردین ۱۳۷۸ به دست عوامل گروهک ترور یستی مجاهدین خلق (منافقین) در تهران به شهادت رسید و در تشییعی باشکوه با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی و انبوه مردم در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

شهید صیاد شیرازی از فرماندهانی بود که نظامیان عراقی کینه و عداوتی خاص نسبت به وی داشتند و به‌خصوص صلابت و شجاعت او را در جریان جنگ تحمیلی و دفاع مقدس از یاد نمی بردند؛ از این رو بر نامهٔ شهادت این قهرمان را ضمن امریه‌ها و فرمان‌های ویژه خود از گروهک منافقین خواستار شدند.

سرانجام سر لشکر بسیجی صیاد شیرازی در صبحگاه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۸، طی عملیاتی که مجاهدین خلق نام آن را «طلوع» نهادند، توسط این گروهک به شهادت رسید. این گروه طی اطلاعیه‌ای مخصوص این عملیات مدعی شده بود که این اقدام در منطقه‌ای «به شدت محافظت‌شده» در شمال شهر تهران صورت گرفته است و در حالی این ادعا مطرح شد که مرحوم صیاد شیرازی نیز حتی یک محافظ و گارد شخصی نداشت.

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به صورت رسمی در شهریور ۱۳۴۴ بنیان گذاشته شد. این سازمان با تکیه بر ۱۲ اصل مبارزهٔ مسلحانه و ضرورت تشکیلات مکتبی یعنی ایدئولوژیک بودن مبارزه، فعالیت خود را آغاز کرد. این تشکیلات از اواخر سال ۱۳۴۷ وارد فاز نظامی شد و البته قبل از انجام هر اقدامی، در دام ساواک افتاد و تقریباً تمامی کادر اصلی آن دستگیر شدند. در سال ۱۳۵۴ سازمان با انتشار جزوهٔ تغییر مواضع ایدئولوژیک، گرایش خود به مارکسیسم را به‌طور رسمی اعلام کرد. در آخرین سال‌های حیات رژیم پهلوی، از این گروه جز اسمی باقی نمانده بود.

بعد از پیروزی انقلاب، این سازمان با تبلیغات وسیع اقدام به عضوگیری از جوانان کرد و به دلیل زیاده خواهی، در برابر نظام اسلامی قرار گرفت. مجاهدین خلق که بعد از انقلاب به منافقین معروف شدند

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به فاز مسلحانه روی آوردند. باناکامی در این زور آزمایی، ترورهای گستردهٔ سازمان در نقاط مختلف کشور، افشار گوناگون مردم را هدف قرار داد. در طی این حملات ترور یستی، بیش از ۱۲ هزار نفر به شهادت رسیدند. وقتی دیگر امکان فعالیت گروهک ترور یستی مجاهدین خلق (منافقین) در داخل کشور نبود، نیروهای باقیمانده با فرار به عراق، در خدمت رژیم بعث این کشور که در حال جنگ با ایران بود، قرار گرفتند. پیوند این گروه و رژیم متجاوز صدام که به‌طور محرمانه از سال ۱۳۵۹ آغاز شده بود، در سال ۱۳۶۱ به امضای پیمان رسمی مسعود رجوی،

سرکردهٔ منافقین، با طارق عزیز وزیر ماور خار جه عراق منجر شد. سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از سال ۱۳۶۴ به صورت علنی و رسمی وارد خاک عراق شد و با استقرار در پادگان های ارتش صدام، به عنوان بخشی از سیستم سرکوب و جنایت رژیم بعث، به انجام وظایف خویش پرداخت. این سازمان پس از سرنگونی صدام، با دوگانگی رفتار حامیان غربی خود روبه رو و به آلبانی منتقل شد و اینک در خدمت مطامع و منافع آمریکا و اسرائیل قرار دارد و به جاسوسی و همدستی با بیگانگان علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی مشغول است.

## ترور سپهبد قاسم سلیمانی؛ مصداق ترور یسم دولتی آمریکا

سپهبد قاسم سلیمانی در سال ۱۳۳۵ خور شیددی در یکی از شهرستان های استان کرمان به نام رابر چشم به جهان گشود. وی دوران

کودکی و نوجوانی خود را در کنار پدر به کار بنایی گذراند و در سال های جوانی در سازمان آب کرمان پیمانکار یکی از بخش های آن شد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران به این نهاد پیوست و در سال ۱۳۶۰ فرماندهٔ لشکر ۴۱ ثارالله شد و در بسیاری از عملیات ها در نقش فرمانده حضور داشت. پس از جنگ تحمیلی به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشرازی شد که از مرزهای شرقی کشور هدایت می شدند. سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶ خورشیدی از طرف رهبر معظم انقلاب به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد و نقش کلیدی در خاور میانه به ویژه در نآر امی های منطقه‌ای معروف به بیداری اسلامی ایفا کرد. پس از ظهور داعش در عراق و سوریه با حضور در این مناطق و سازماندهی نیروهای مردمی به مبارزه با این گروه پرداخت و نقش پررنگی در دفاع از مردم بیگناه سوریه در مقابل گروه ترور یستی داعش داشت. سردار سلیمانی در آبان سال ۱۳۹۶ با اشاره به اتمام آزداسازی بوکمال از پایان داعش خبر داد و آن را به عنوان یک پیروزی بسیار بزرگ و سرنوشت ساز به رهبر معظم انقلاب تبریک گفت.

سردار سلیمانی همواره به وسیله مقامات آمریکایی و رژیم صهیونیستی تهدید به ترور می شد تا جایی که برخی مقامات سابق آمریکایی رسما و آشکارا از دولت این کشور خواستند تا طرح ترور وی را در دستور کار قرار دهند تا اینکه سرانجام در بامداد ۱۲ دی ۱۳۹۸ خورشیدی در حمله موشکی پهپادهای آمریکایی به ۲ خودرو در فرودگاه بغداد، سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس معاون نیروی مردمی عراق (حشد الشعبی) و همراهان دیگرشان در این حمله هدف قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. این حمله با نظارت و دستور مستقیم رئیس جمهوری آمریکا انجام شد.

سیاست ترور همواره به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی آمریکابرای ترساندن و ارعاب دولت های مخالف ساز و کاری بوده است که دولت مردان این کشور در دستور کار قرار داده‌اند که بدون شک بسیاری از اقداماتی که در طول تاریخ در خاورمیانه شکل گرفته یا مستقیما توسط نیروهای اطلاعاتی آمریکانجام گرفته است یا توسط تروریست های نیابتی انجام شده است که یا به دستور مستقیم ایالات متحده و یا از حمایت کاخ سفید برخوردار بودند که این اقدامات شامل بی ثبات سازی، ترور سیاسی، ترور فیزیکی رهبران و مداخلات نظامی ایالات متحده آمریکا در سراسر جهان است.

رهبر معظم انقلاب نیز همواره به سپاهه رفتارهای ترور یستی و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی رژیم ایالات متحده آمریکا از ترور یست های سازمان یافته در کشورهای مختلف اشاره داشته و فرموده اند: «در رژیم ایالات متحده آمریکا در چند دهه اخیر، سپیاهه بالابندی از رفتارهای ترور یستی و نیز پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از ترور یست های سازمان یافته در کشورهای این منطقه، پدید آورده است. حملات مرگبار هواپیماهای بدون سرنشین به خانوارهای بی دفاع در روستاها و مناطق محروم در افغانستان و پاکستان که بارها جشن عروسی آن ها را به عزامبتّل کرده است، جنایات بلکواتر در عراق و کشتار شهروندان و نخبگان عراقی، کمک به گروه های بمب گذار در ایران و عراق و پاکستان، ترور دانشمندان هسته‌ای در ایران با همکاری موساد، سرنگون کردن هواپیمای مسافر ی ایران در خلیج فارس و کشتن حدود سیصد کودک و مردوزن مسافر و… گوشه‌هایی از این سپیاهه ننگین و فراموش نشدنی است.»

همچنین ایشان روشی را که آمریکایی ها برای نیل به اهدافشان در مناطق مختلف در پیش گرفته‌اند از مصادیق بارز ترور یسم می دانند و می فرمایند: «روش های خود آمریکایی ها، یعنی دخالت شان در کشورهای، بودن افراد و اشخاص مخالف، کشتن افراد، دخالت سازمان جاسوسی سیا در کشورهای مختلف و ایجاد کودتاهای نظامی و از بین بردن حکومت ها و دولت های ضعیفی که آمریکا با آن ها مخالف بوده است، همه از قلم های درشت ترور یسم است.»

واقعیت آن است که غرب و سایر دولت هایی که نگران گسترش نفوذ اندیشه های انقلاب در منطقه و جهان هستند ترور را به عنوان راهی در جهت جلو گیری و سد راه اندیشه های انقلاب اسلامی برگزیدند تا بتوانند از حرکت سریع اندیشه های انقلاب اسلامی جلو گیری کنند امانمی دانستند حذف یک فرد یا افراد به معنی حذف اندیشه نمی باشد و این اندیشه نه تنها در ایران بلکه در خارج از مرزهای جغرافیای سیاسی ریشه دوانده و قابل خشکاندن نیست.

# پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب

## در پی شهادت سپهبد علی صیاد شیرازی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت شهادت سپهبد علی صیاد شیرازی پیامی صادر فرمودند.

متن پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا

امیر سرافراز ارتش اسلام و سر باز صادق و فداکار دین و قرآن، نظامی مؤمن و پارسا و پرهیز کار، سپهبد علی صیاد شیرازی امروز به دست منافقین مجرم و خونخوار و روسیاه به شهادت رسید. این نه‌اولین و نه آخرین باری است که دلی نورانی و سرشار از عشق و ایمان و وفاداری به آرمانهای بلند الهی، هدف تیر خشم و عناد و عصبیت از سوی زمره جنایتکار و فاسدی که ادامه‌ی حیات خود را در خدمتگزاری به دشمنان اسلام دانسته است، قرار می‌گیرد و دست خائن خودفرخته‌یی، نهال ثمر بخش انسان والایی را قطع می‌کند.

او مانند دیگر مردان حق از روزی که قدم در راه انقلاب نهادند همواره سر و جان خود را برای نثار در راه خدا بر روی دست داشتند.

سز مینهای داغ خوزستان و گردنه‌های برافراشته‌ی کردستان، سالهاشاهد آماجگی و فداکاری این انسان پاک نهاد و مصمم و شجاع بوده و جبهه‌های دفاع مقدس صدها خاطر ه از رشادت و از خود گذشتگی او حفظ کرده‌است. خطر مرگ کوچکتر از آن است که بندگان صالح خدا را از راه او بازگرداند، و عشق به منال دنیوی حقیر تر از آن است که در دل نورانی شایستگان جایی بیابد. کوردلان منافق بدانند که با این جنایتها روز به روز نفرت ملت ایران از آنان بیشتر خواهد شد و خون مردان پاکدامن و پارسا همچون صیاد شیرازی و شهید لاجوردی بد نامی و سیاه‌رویی آنان را در تاریخ و در دل این ملت همیشگی خواهد کرد. و سردمداران استکبار که با وجود لافزنیهای ضد ترور یستی خود، به امید آن نشسته‌اند که ترور یستهای مزدورشان در ایران اسلامی با شهید کردن مردان استوار و مقاوم انقلاب، راه تسلط بر ایران اسلامی را هموار کنند، بدانند که خون شهیدان راه حق، ملت مؤمن ما را راستختر و آشتی ناپذیرتر و مقاومتر می‌سازد. درحمت و فضل بیکران الهی بر روح شهید عزیزمان علی صیاد شیرازی و لعنت و نفرین خدا و فرشتگان و بندگان صالحش بر ایادی منفور و مطرود استکبار.

اینجانب شهادت این بنده‌ی برگزیده‌ی خدا را به ملت ایران یخصوص به یاران دفاع مقدس و ایثار گران جبهه‌های نور و حقیقت و به خانواده‌ی گرامی و فداکار و بازماندگان محترمش تبریک و تسلیت می‌گویم و صمیمی ترین درود خود را بر روح پاک او و خون به‌ناحق ریخته‌ی او نثار می‌کنم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

سیدعلی خامنه‌ای

۷۸/۱/۲۱

